

عمارت گالانت

www.ketab.ir

نویسنده: وی. ای. شواب

مترجم: محمد جوادی



کتابسرای تندیس

www.ketab.ir

سرشناسه	شواب، ویکتوریا، Victoria Schwab، ۱۹۸۷ - م.
عنوان و نام پدیدآور	عمارت گالانت / نویسنده وی. ای. شواب ؛ مترجم محمد جوادی.
مشخصات نشر	تهران: کتابسرای تندیس، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	۳۳۶ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۷۵۸-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	عنوان اصلی: Gallant [۲۰۲۲].
موضوع	داستان های آمریکایی -- قرن ۲۱ م. American fiction -- 21st century.
شناسه افزوده	جوادی، محمد، مترجم
رده بندی کنگره	PS۳۶۱۶
رده بندی دیویی	۸۱۳/۶
شماره کتابشناسی ملی	۸۸۱۲۰۱۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیپا

www.ketab.ir



عمارت گالانت

نویسنده: وی. ای. شواب

مترجم: محمد جوادی

چاپ پنجم: تابستان ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰

چاپ: غزال

صحافی: کیمیا

شابک: ۷-۷۵۸-۱۸۲-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ تومان

دفتر: تهران، خیابان ولی عصر، نرسیده به خیابان استاد مطهری، خیابان حسینی‌راد، پلاک ۱۰ واحد ۲

کتابفروشی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، نرسیده به خیابان استاد مطهری، شماره ۱۹۷۷

www.tandispub.com

تلفن: ۰۲۱۸۸۸۹۲۹۱۷ - ۰۲۱۸۸۹۱۳۸۷۹

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست

۱۱.....	پیشگفتار
۱۷.....	بخش یک: مدرسه
۱۹.....	فصل یک
۲۸.....	فصل دو
۳۷.....	فصل سه
۴۸.....	فصل چهار
۵۹.....	بخش دو: خانه
۶۱.....	فصل پنج
۷۲.....	فصل شش
۸۰.....	فصل هفت
۸۸.....	فصل هشت
۹۷.....	فصل نه
۱۰۶.....	فصل ده

۱۱۹.....	بخش سه: ناگفته‌ها
۱۲۱.....	فصل یازده
۱۲۸.....	فصل دوازده
۱۳۹.....	فصل سیزده
۱۴۸.....	فصل چهارده
۱۵۴.....	فصل پانزده
۱۹۱.....	بخش چهار: آن طرف دیوار
۱۹۳.....	فصل شانزدهم
۲۰۱.....	فصل هفدهم
۲۱۰.....	فصل هجدهم
۲۱۸.....	فصل نوزده
۲۲۴.....	فصل بیست
۲۳۴.....	فصل بیست و یک
۲۴۵.....	بخش پنج: خون و آهن
۲۴۷.....	فصل بیست و دو
۲۵۹.....	فصل بیست و سه
۲۶۹.....	فصل بیست و چهار
۲۷۹.....	فصل بیست و پنج
۲۸۷.....	فصل بیست و شش
۲۹۷.....	فصل بیست و هفت
۳۰۷.....	بخش شش: خانه
۳۰۹.....	فصل بیست و هشت
۳۱۹.....	فصل بیست و نه
۳۲۴.....	فصل سی
۳۳۰.....	پایان
۳۳۵.....	تشکر و قدردانی

پیشگفتار

ویکتوریا الیزابت شواب (زاده‌ی ۷ ژوئیه‌ی ۱۹۸۷) رمان‌نویس ژانر فانتزی است. این نویسنده‌ی آمریکایی سنه ۲۰۰۹ در رشته‌ی هنرهای زیبا از دانشگاه واشنگتن در سنت لوئیس فارغ‌التحصیل شد. او ابتدا قصد داشت در رشته‌ی اخترفیزیک تحصیل کند، اما پس از گذراندن دوره‌ی هنر و ادبیات مسیر زندگی‌اش تغییر کرد. او اولین رمانش را در سال دوم دانشگاه نوشت که چاپ نشد. قبل از فارغ‌التحصیلی، شرکت دیزنی امتیاز اولین رمان او را خرید. شواب به‌خاطر مجموعه‌ی تبهکاران، مجموعه‌ی سایه‌های جادو، و داستان‌های کودک و نوجوان شناخته شده است. شواب در رمان‌های جوان و بزرگسال از تخلص اسمی وی.ای. و در رمان‌های کودک و نوجوان از نام ویکتوریا استفاده می‌کند. این نویسنده‌ی جوان موفق شده تاکنون بیش از سی رمان در ژانر فانتزی بنویسد و با خلق شخصیت‌هایی تأثیرگذار در داستان‌هایش، خود را به عنوان یکی از نویسندگان مطرح در این ژانر معرفی کند. رمان‌هایی که به صورت مجموعه یا مستقل به زبان‌های مختلف ترجمه شده و امتیاز ساخت فیلم بسیاری از آنها را شرکت‌های بزرگ فیلم‌سازی خریده‌اند.

روزنامه‌ی ایندپندنت^۱ او را جانشین رمان‌نویس مطرح بریتانیایی دایانا وین جونز^۲ می‌داند، با توانایی حسادت برانگیز در تغییر سبک‌ها، ژانرها و لحن‌ها که در آثار نیل گیمن^۳ نویسنده‌ی رمان‌های فانتزی و علمی-تخیلی دیده می‌شود. رمان عمارت گالات، سال ۲۰۲۲ منتشر شد و مدت کوتاهی پس از انتشار با نقدهای مثبتی مواجه شد.

به عنوان مترجم آثار شواب در ایران، هنگام برگردان ششمین رمان او، به این نکته پی بردم که ظرافت و مهارت نویسنده در نگارش داستان جدیدش به مراتب بیشتر شده است. می‌توان گفت عمارت گالات به لحاظ روایت و توصیف، نسبت به دیگر آثارش تکنیکی‌تر است. فرم داستان در عین سادگی دارای ساختاری به هم پیوسته است که عناصر داستان به شکلی مناسب و زیبا در جای خود قرار گرفته‌اند و زمانی پرکشش را خلق کرده‌اند.

از موارد مهم برگردان این رمان استفاده از معادل مناسب برای کلمه‌ی «غول»^۴ بود که از زبان نویسنده به زبان انگلیسی شده است. در ویکی‌پدیای انگلیسی «غول» که ریشه در فرهنگ عرب بیش از اسلام دارد موجودی دیوماند یا انسان‌نما تعریف شده است، هیولایی که در قبرستان‌ها تغذیه می‌کند. همچنین «غول» در تعاریف فرهنگ لغات انگلیسی به روح شیطانی یا شبح پلید که از اجساد قبرستان تغذیه می‌کند اطلاق می‌شود.^۵ این کلمه به مانند بسیاری از کلمه‌های دیگر با گذشت زمان در فرهنگ‌های مختلف به لحاظ مفهوم دستخوش تغییرات شده است. کلمه‌ی «غول» امروزه در داستان‌های فانتزی به طیف وسیعی از موجودات خیالی با بُعد جسمانی و همچنین موجودات شیطانی- ارواح خبیث و اجنه- اشاره می‌کند. اما از آنجا که این کلمه برای مخاطب فارسی‌زبان مفهوم دیگری در ذهن می‌آورد (موجوداتی افسانه‌ای و

1 Independent

2 Diana Wynne Jones

3 Neil Richard Gaiman

4 ghoul

۵ فرهنگ لغت‌هایی نظیر لانگ‌من و وبستر.

عظیم الجثه و مانند انسان دارای دست و پا و گاه شاخ و دم) و با آنچه مدنظر نویسندگان بوده متفاوت است در ترجمه از معادل «شبح» استفاده شده که هم تجسمی از روح را نشان دهد و هم با توجه به اقتضای داستان، کمی بیشتر به آن بعد جسمانی بدهد. و از طرفی با کلمه‌ی «ghost» به معنی «روح» که در داستان آمده متمایز باشد. از طرفی برای کلمه‌ی «غول» در داستان توصیف‌هایی نظیر: «فقط سایه‌های شکننده‌ی مردگانند.» یا جمله‌هایی مانند: «دست‌های اولیویا مستقیم از میان بدنش عبور می‌کنند.» به کار رفته است که با تعریف کلمه‌ی «شبح» سنخیت بیشتری دارد.

موضوع دیگر، عنوان کتاب است که در صورت استفاده‌ی تلفظ دقیق «گلنت» در جلد کتاب، خوانش آن را مشکل می‌کند. به همین منظور با کمی تغییر عنوان «گلانت» استفاده شده است.

گفتنی است از این روایت تاکنون رمان‌های شرور، و انتقام‌جو از مجموعه‌ی تبهکاران و رمان‌های تاریک‌تر و غم‌انگیز، اتحاد سایه‌ها و شوالیه‌های روشنایی از مجموعه‌ی سایه‌های جادو در انتشارات کتاب‌های تندیس منتشر شده است.

ارباب خانه کنار دیوار باغ می ایستد.

دیواری از تکه ای سنگ ترسناک، و در آهنی با قفل و چفتی در وسطش. شکاف باریکی بین در و سنگ وجود دارد و وقتی نسیم از آنجا می گذرد، رایحه ی تابستان را با خود می آورد؛ به سیرابی و گرمای خورشید در دوردست. امشب نسیمی نمی وزد.

ماه در آسمان نیست، اما او غرق در مهتاب است و نور به کناره های کت مندرسش می رسد. روی استخوان هایی که از زیر پوستش پیدا است می درخشد. دستش را در امتداد دیوار می کشد و دنبال شکاف می گردد. شاخه های لجوج پیچک را دنبال خود می کشد که مانند انگشت هر درزی را سرک می کشند، در آن نزدیکی سنگ کوچکی رها می شود و زمین می افتد و برش باریکی از شب در جای دیگر را آشکار می کند. مجرم، موشی صحرایی است که تقلا می کند و از دیوار بالا می رود و بعد پایین می افتد، درست روی چکمه های ارباب. او را به ظرافت یک مار در یک دست می گیرد.

ارباب سرش را به سمت شکاف خم می کند. چشم های سفید شیریش را به آن طرف دیوار متمرکز می کند. باغ دیگر. خانه ی دیگر.

موش در دستش پیچ و تاب می خورد و ارباب فشارش می دهد.

با صدایی همچون پژواکی در اتاق های خالی می گوید: «هیس!» به صداهای

سمت دیگر گوش می دهد، به چهچهه‌ی آرام پرنده‌ی آوازخوان، بادی که از بین
برگ‌های انبوه می وزد، عجز و ناله‌ی دوردست فردی در خواب.
اریاب لبخند می زند و تکه سنگ شکسته را برمی دارد و دوباره سر جایش
می گذارد، همان جایی که مانند یک راز در انتظارش است.
موش از تقلا کردن در مشت او دست برداشته است.
وقتی دستش را باز می کند، چیزی باقی نمانده به جز رگه‌ای از خاکستر و
پوسیدگی و چند دندان سفید که فقط کمی بزرگ‌تر از بذر هستند.
آنها را روی خاک خشکیده می ریزد و با خود فکر می کند چه از آن خواهد
روید.

www.ketab.ir